



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

زمان چاپ: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی تاریخچه، ویژگی‌ها، الزامات و مشکلات تمرکززدایی و تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی

درسی (مقاله مروری)

مدینه صفری

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

madinehsafari57@gmail.com

چکیده

مدرسه از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی‌ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش‌آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی آنان براساس اهداف مصوب دوره‌های تحصیلی و برابر ضوابط و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می‌شود. انتقال ارزش‌های اساسی جامعه در کانون اصلی توجه نظام آموزشی قرار دارد، به گونه‌ای که مدرسه دانش‌آموزان را متعهد می‌سازد ارزش‌های جامعه را درونی سازند. موضوع تمرکز و عدم تمرکز از موضوعاتی است که در تاریخ آموزش و پرورش محل بحث و مناظره علمای تعلیم و تربیر و خط‌مشی‌های آموزشی بوده است. تاریخ یک صد ساله‌ی اخیر، یعنی قرن بیستم، خود به تنهایی نمایانگر آن است که بسیاری از نظام‌های آموزش با مسئله‌ی تمرکز و عدم تمرکز دست به‌گریبان بوده‌اند. واضح است که بودن در یکی از دو قطب متمرکز و غیر متمرکز یا حتی قرار گرفتن بر روی طیفی از تمرکز و عدم تمرکز یک امر مدیریتی‌ست و مبتنی بر نوع مدیریت سیاسی، اجتماعی و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک دولت‌هاست. طبیعتاً هر یک از نظام‌های تصمیم‌گیری دارای مقتضیات و معایب و مزایای خاص خویش هستند.

کلیدواژه‌ها: تمرکززدایی، تمرکزگرایی، برنامه‌ریزی درسی، آموزش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مقدمه

فرایند تصمیم‌گیری فعالیت اجرایی روزانه است که در همه سطوح در مؤسسات اتفاق می‌افتد. در نظام‌های آموزشی به دلیل استمرار فعالیت‌های برنامه‌ریزی، فرایند تصمیم‌گیری متأثر از عوامل مختلفی است؛ بنابراین دخالت همه ذینفعان، به‌ویژه افرادی که به طور مستقیم در آموزش دانش‌آموزان درگیر می‌شوند، یک بخش حیاتی در توسعه و تجدید نظر موفقیت‌آمیز برنامه درسی به حساب می‌آید.

از طرفی دیگر نظام آموزش و پرورش همچون سایر نظام‌ها دارای اجزا و عواملی است و یکی از اجزای مهم آن نظام برنامه‌ریزی درسی است که مهم‌ترین عنصر دستیابی به هدف‌ها و آرمان‌های یک ملت است. شیوه اجرای برنامه درسی نیز تا حدود زیادی تابع نظام برنامه‌ریزی درسی است (۱)

بحث در مورد این مهم دارای تاریخ طولانی است و نشان می‌دهد برنامه‌ریزی درسی تا چه میزان اهمیت داشته و دارد؛ که البته لازم به ذکر است این نوع برنامه‌ریزی از اهم وظایف یک مدیر آموزشی است. از نظر لسینجر، مدیریت موفق مستلزم احساس مسئولیت در قبال برون‌دادهای نظام آموزشی است. برون‌دادهای به صورت عبارتهای عملیاتی سنجش پذیر مجسم می‌شود و نحوه حصول این برون‌دادهای نیز پیش‌بینی می‌شود، به گونه‌ای که امکان بازنگری لازم و طراحی مجدد نیز لحاظ گردد.

همزمان با تحولات و تغییرات گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، مطالبات و تقاضای اجتماعی برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و تأمین حقوق فردی و اجتماعی و ضرورت برنامه‌های درسی و آموزشی منعطف و سازگار با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی از نیمه دوم قرن بیستم مطرح شده است.

در همین رابطه، برخی نظام‌های آموزشی متمرکز برای رهایی از وضعیت نامطلوب و بحران زای خود، گرایش تمرکززدایی را اختیار نموده و بعضی نظام‌های آموزشی نیز رویکرد تمرکزگرایی را به عنوان پاسخی به بحث عدالت آموزشی و فرصت‌های برابر آموزش و تحصیل قلمداد نموده‌اند. (۲)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

در هر یک از رویکردهای فوق الذکر، پشتوانه‌های نظری و عملی مستحکمی وجود دارد که بسته به نوع و تمرکز نظام آموزشی ساختار برنامه درسی، سطوح تصمیم‌گیری و میزان و نوع دخالت عوامل مختلف در فرآیند برنامه‌ریزی درسی نیز از آن تأثیر می‌پذیرد.

روش انجام کار:

نویسنده با بررسی مقالات معتبر و ذکر شده در قسمت "منابع" برآن است به نتیجه‌ای منطقی دست یابد و همچنین با بررسی اطلاعات و نتایج آنها، ضمن ارائه‌شان بصورت سازمان یافته و هدفمند به جمع بندی منطقی و قابل توجه بررسی.

به منظور داشتن دسترسی کافی به مقالات مورد نیاز و معتبر، از کلیدواژه‌های مذکور استفاده شده و تمامی مقالات تا آبان ۱۴۰۱ (ماه اکتبر) مورد بررسی قرار گرفتند. لازم به ذکر است مرورگرهای مورد استفاده، شامل Google Chrome, Firefox, SRWare, Iron و Avant Browser می شوند

تاریخچه تمرکززدایی و گرایش به تمرکزگرایی:

بررسی پیشینه تحولات حوزه برنامه درسی در دهه ۱۹۹۰ بیانگر آن است که آخرین دهه تغییر مدرسه در قرن بیستم به صورت فزاینده‌ای از عدم تمرکز طرفداری کرده و آن را کلید حیات اصلاحات دانسته است و دهه ۱۹۸۰ توسط بعضی منتقدان، دوره شکست برنامه‌های درسی متمرکز در اندازه‌های بزرگ شناخته شده است. این برداشت تحول جویانه دهه‌های اخیر ناشی از ویژگی‌های ذاتی و ضعف‌های اساسی تمرکزگرایی در برنامه‌های درسی طراحی و تدوین شده برای معلمان و ضدنفوذ بودن آنها بوده است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

تمرکز زدایی در کار طراحی و تدوین برنامه درسی، به بهبود کیفی مدرسه، تشریک مساعی معلمان، جاذبتر شدن محل کار برای معلمان، ارتقای درجه تخصصی و جلوگیری از فرسودگی شغلی، توجه بیشتر به بافت آموزشی و نیازهای فراگیران و تقویت نوآوری های ریشه دار و بومی کمک میکند و انواع تفاوتها و گوناگونیهای موجود را مورد توجه قرار می دهد. (۳)

تجربه نیمه دوم قرن بیستم به جامعه بشری آموخت که برای موفقیت و دستیابی به سعادت و تربیت شهروندان مولد و مسئولیت پذیر، برنامه های درسی و آموزشی نیازمند انعطاف و سازگاری بیشتری با جهت تغییرات فوق هستند. به همین مناسبت، تلاش های متنوعی در سراسر دنیا، برای دستیابی به آموزش و پرورش که توانایی تربیت شهروندان مولد و مسئولیت پذیر مناسب با هزاره سوم را داشته باشد، انجام گرفته است. بعضی نظام های آموزشی متمرکز، راه برون رفت از وضعیت نامطلوب خود را غیرمتمرکز شدن دیده اند و بعضی دیگر، پشتوانه عدالت آموزشی و ضامن گسترش دستیابی به منابع را، متمرکز شدن نظام آموزشی تصور کرده اند. (۲)

برنامه ریزی درسی متمرکز یا نیمه متمرکز:

همزمان با تحولات اجتماعی، بحث های گسترده ای درباره میزان تمرکز در نظام های آموزشی و حدود و اختیارات معلمان در تولید و انتخاب برنامه درسی مطرح شده است. کشورهایی مانند انگلستان که به طور سنتی و تاریخی، دارای نظام های آموزشی و برنامه درسی غیرمتمرکز بوده اند، به سمت برنامه های متمرکز تمایل نشان داده اند و توجیه آنها، در اتخاذ رویکرد تمرکز گرایانه تضمین موفقیت و پیشرفت تحصیلی برای کلیه دانش آموزان یا به عبارتی افزایش کارایی درونی نظام آموزشی بوده است (۲).

در حالی که کشورهایی مانند نیوزلند که دارای نظام آموزشی و برنامه درسی متمرکز بوده اند، خروج از تمرکز را مورد بررسی جدی قرار دادند و مدعی بودند که برنامه ریزی و مدیریت مدرسه محور، ظرفیت کار و تلاش را در سطح مدرسه بیشتر کرده و فرصت های بیشتری را برای مشارکت معلمان و والدین ایجاد می کند. (۲) در اینجا به تشریح ویژگی های هر یک از ۲ نظام های آموزشی فوق می پردازیم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۱- نظام‌های آموزشی متمرکز:

نظام‌های تمرکزگرا یک تمایل عمومی به سمت کنترل متمرکز کلیه مراحل طراحی و تولید برنامه‌های درسی از تبیین اهداف مدرسه و تدوین برنامه درسی تا اجرای برنامه درسی و ارزشیابی از نتایج برنامه و آموخته‌های دانش‌آموزان وجود دارد. پیام برنامه درسی متمرکز این است که تهیه و توسعه برنامه درسی وظیفه معلمان نیست، (۴) بلکه این مراکز و دفاتر برنامه‌ریزی درسی دولتی هستند که کلیه مراحل طراحی و تدوین و ابلاغ برنامه را باید در دست داشته باشند و کار مربیان و معلمان تنها اجرای برنامه‌های درسی تجویز شده است که تا حدود زیادی هم ضد نفوذ و اقتدار معلم‌اند (۵ و ۳)

همانگونه که اشاره شد، در بعضی از کشورها، یک تمایل عمومی به سمت کنترل متمرکز در حوزه‌هایی همانند تدوین و تبیین اهداف مدرسه به وجود آمده است و این در حالی است که در سطح مدرسه، مسئولیت تصمیم‌گیری در زمینه مسائل مالی و کارکنان و همچنین، ساختار فعالیت‌های یادگیری برای دستیابی به این اهداف افزایش یافته است. برخی ویژگی‌های این نظام‌ها به شرح زیر است (۲)؛

- در این سیستم، آموزگاران غیرحرفه‌ای تر می‌شوند.
- در سیستم‌های آموزشی متمرکز، آزمون جهت دهنده آموزش است. در این سیستم‌ها معلمان بخش قابل توجهی از فعالیت‌های آموزشی شان را متمرکز بر دانش و مهارت‌هایی می‌کنند که توسط آزمون ارزیابی می‌گردد. از پیامدهای نگران کننده حاکمیت آزمون‌ها بر تدریس عبارتند از:
 - الف- تعریف و تعیین حدود و میزان یادگیری توسط آزمون و سیستم ارزیابی. به عبارتی در نظام‌های آموزشی متمرکز این آزمون‌ها هستند تا آنچه را که برای دانستن و یادگیری مهم است، تعیین می‌نمایند.
 - ب- تدریس برای آزمون منجر به خلق فضاهایی میشود که هدف آن دستیابی به یک حقیقت یا یک جواب خاص است و این در حالی است که کمتر به پیچیدگی آموزش و سایر جنبه‌های آن توجه می‌شود .
 - ج- کاهش ارزش تفکر برتر و متعالی، به دلیل اینکه اکثر آزمون‌ها روی مهارت‌های ابتدایی متمرکز می‌شوند، به تفکر استنباطی و تحلیلی کاری ندارند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

برای معلمان نیز حاکمیت آزمونها بر تدریس منجر به این می‌شود که معلمان تدریس به صورت گروهی مخصوصاً در مطالعات اجتماعی و زبان را به دلیل وقتگیر بودن کنار گذاشته و مطالعات عمقی و فعالیت‌های مرتبط با آن نیز به دلیل محدودیت زمانی کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کند. لذا بخش‌ها و موضوعات خاصی از برنامه آموزشی، مانند موضوعات مرتبط با زندگی روزمره انسان‌ها حذف گردیده و زمان اختصاص داده شده به روش‌ها و رویکردهای خاص تدریس مانند یادگیری جمعی، مباحثات کلامی کاهش یا حذف می‌شود.

- در سیستم‌های متمرکز، اشراف و تسلط بر مطالب مهمتر از یادگیری آن است. در این سیستم‌ها تسلط روی مواد درسی که دانش‌آموزان بر اساس آن مورد سنجش واقع می‌شوند، نسبت به توانایی‌های توسعه‌ای و رو به رشد دانش‌آموزان اهمیت بیشتری می‌یابد. معلمان در این سیستم‌ها خود را تنها مالکان و مروجان علم و دانش در کلاس قلمداد می‌کنند و جو غالب در کلاس، صحبت‌های معلمان و تلاش‌های آنان برای تسلط بر تقابلات کلامی است. حال آنکه این عمل در تضاد با شیوه‌های تدریس مطلوب می‌باشد.

- در سیستم‌های متمرکز دستیابی به حداقل صلاحیت به عنوان نتیجه‌ای مطلوب تلقی می‌شود. اکثر برنامه‌های اجباری ضمن ارائه لیست کاملی از اهداف رفتاری که دانش‌آموزان باید به آن برسند، معیارهایی نیز به عنوان حداقل معیار موفقیت تعیین می‌نمایند. عملکرد دانش‌آموزان نیز بر اساس معیار مذکور سنجیده می‌شود. متأسفانه تلقی دستیابی به حداقل صلاحیت، یک نماد عمومی از اصلاح آموزشی گردیده است و نمرات آزمون به عنوان شاخصه پیشرفت و اصلاح به صورت

- یک باور غلط و نابه جا به سیستم‌های متمرکز تحمیل شده‌اند. لذا هر گونه مخالفت با این باور غلط، مخالفت با شایستگی و صلاحیت تصور می‌شود.

تجربیات برخی کشورها:

(۱) انگلستان و ویلز:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

تغییر ساختار آموزشی در انگلستان در سطح ملی و به صورت دور شدن از اقتدار و تصمیم‌گیری از سطح منطقه‌ای و ناحیه‌ای به سمت کنترل مالی و مدیریتی در هر یک از مدارس بوده است. از جهت تأمین منابع مالی و مدیریت، مدارس به سمت حالتی شبه بازاری در کار آموزش و پرورش رفته اند (۶) که نشان از نفوذ راه حل‌های بی قاعده و مبتنی بر بازار اقتصاددانان و سیاستمداران جناح راست می‌کند (۷) تا آن حد که به مدارس اجازه می‌دهد تا به انتخاب خوب از مدارس بوده است. از جهت تأمین منابع مالی و مدیریت، مدارس به سمت حالتی شبه بازاری در کار آموزش و پرورش رفته‌اند (۶) که نشان از نفوذ راه حل‌های بی قاعده و مبتنی بر بازار اقتصاددانان و سیاستمداران جناح راست می‌کند (۷). تا آن حد که به مدارس اجازه می‌دهد تا به انتخاب خود در حوزه مدیریت محلی آموزشی‌شان شرکت نکنند و منابع مالی و سرمایه‌های مورد نیاز را از طریق کنترل حکومت مرکزی جمع‌آوری کنند. اما در این نوع تمرکززدایی، در زمینه تدوین برنامه درسی به سمت تمرکزگرایی رفته است و یک برنامه درسی ملی تولید شده است که زمینه کنترل حکومت مرکزی را بر سر فصل‌ها و موضوع مطالب درسی فراهم می‌کند (۷ و ۸) و آزمون‌هایی که در سطح ملی به اجرا درمی‌آید (دوره ابتدایی و دوره متوسطه) حضورشان رایج شده است.

البته مدرسه در قالب برنامه درسی ملی از اختیار لازم برای انتخاب و تنظیم محتوا و منابع درسی برخوردار است. بیشتر مدارس اکنون کنترل کامل بر بودجه‌هایشان دارند و در صورت رأی اکثریت والدین دانش‌آموزان، توانایی خارج شدن از کنترل مقامات محلی را هم دارند. انتخاب مدیر و معلمان نیز مدتی است که در محل مدرسه صورت می‌پذیرد و از این نظر دست مدارس باز شده است.

۲) استرالیا:

در استرالیا نیز آموزش و پرورش از حالت دیوان سالارانه دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به مرور از اواخر دهه ۷۰ و در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، دستخوش اصلاحات اساسی در ساختار اداره مدارس و حرکت به سمت تمرکززدایی و اقتدار مدرسه شد. اینکه مدرسه و نه اداره مرکزی محل مناسبتری برای تصمیم‌گیری آموزشی است (۹). اگرچه در استرالیا جنبش مردم سالارانه به شکل گرفتن اصلاحات از اواخر دهه ۱۹۷۰ و در راستای تمرکززدایی کمک کرد، اما چنانکه کندی می‌گوید، مدیریتگرایی در قالب شرکتهای بزرگ و رقابتی شدن مدارس به خصوص در دوره متوسطه، در دهه بعد بر فرآیند اصلاحات مسلط شد. در ساختاردهی مجدد آموزشی در استرالیا و در حرکت تمرکززدایی دو نوع سیاست و ابداع، تغییر در مدارس را شکل می‌دهد. اولی که به «اصلاحات کلان» معروف است،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

متضمن تغییر و تحولی در مدیریت و رهبری متمرکز (ایالتی) به سمت مدیریت غیرمتمرکز مبتنی بر مدرسه است (۷) در این سیاست، نقطه تمرکز بر روی تغییر در سطح کل مدرسه است و بیشتر هم مدیریت و رهبری مدرسه مورد نظر است.

۳) آمریکا:

در آمریکا حرکت تمرکززدایی در دهه ۹۰، به سوی تأمین مستقیم منابع توسط، ارتقای حقوق والدین برای انتخاب مدارس و تأمین منابع مالی مدارس از طریق مدارس والدین بوده است. تحلیل‌ها آن طور که ویتی، پاور و هالپین (۱۰) مطرح، نشان می‌دهد که قانون مدارس چارتر در آمریکا از این نقطه نظر پشتیبانی می‌کند که سیاستگذاران و تصمیم‌گیران وزارت آموزش و پرورش آماده بوده‌اند تا اقتدار بیشتری را (به خصوص در زمینه تأمین منابع مالی) به مدارس و والدین در سطح محلی ببخشند. اما کمتر حاضر بوده‌اند که کنترل آموزش و برنامه درسی را در سطوح بالاتر حکومت از دست بدهند یعنی تمرکززدایی با درجاتی از تمرکزگرایی همراه بوده است. ابزارها و روش‌هایی که قدرت را به سطوح پایینتر در سطح فردی مدارس منتقل می‌کنند، اغلب همراه با جنبه‌های دیگری است که کنترل مرکزی را بزرگتر می‌کند.

۴) زلاندنو:

در زلاندنو نیز تغییرات قابل توجهی در راستای تمرکززدایی رخ داده است. به قدرت در مدرسه و کسب قدرت نصب و عزل توسط مدیر مدرسه از آن جمله است (۷). موقعیت زلاندنو نشانگر راهی بوده که در آن انتظار میرفته است. سیاستهای تمرکز زدایی احتمالاً به تسهیل توسعه سیاست‌های آموزشی مردم سالار و برابری خواه بیانجامد (۱۱).

۵) کانادا:

در مورد کشور کانادا، تشکیل نظام پیشگام خود - مدیریت در ادمونتون کانادا قابل توجه بوده است (۷). این نظام در حال پالایش جنبه‌های تمرکزگرایی مدارس و تمرکززدایی از مدارس، از اواسط دهه ۱۹۷۰ تاکنون بوده است. این نظام پیشرو، ابتدا روی بودجه‌بندی و تأمین منابع مالی مدرسه متمرکز شده و سپس به تحول تدریجی‌اش به سوی قدرت بخشیدن بدنه دانش‌آموزی و تحول در آموزش‌ها و فرآیند یاددهی - یادگیری در دهه بعد ادامه داده است.

۶) فنلاند:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

در سال‌های دهه ۱۹۹۰ سیاست آموزشی در فنلاند به سمت تمرکززدایی تغییر یافت و کنترل محلی بیشتری به شهرداری‌ها و مدارس اعطا گردید. از این طریق قصد بر آن بود تا یادگیری فعال‌تر، متناسب‌تر و مرتبط‌تری با شرایط محلی تشویق گردد (۱۲). در قالب خطوط راهنمای ملی، مدارس برنامه‌های درسی خودشان را تدوین کردند و بودجه‌های خودشان را تنظیم کردند. هم‌اکنون مدارس فنلاند و نظام آموزشی مبتنی بر مدرسه آن از با کیفیت‌ترین مدارس در اروپا هستند که بیشترین توجه را به عدالت و برابری فرصت برای آموزش بهتر، دور از امتحان مداری و رقابتهای سطحی برای دانش‌آموزان مدنظر خود قرار داده‌اند. مورد پژوهی‌هایی که از تجربیات تحول در برنامه درسی حرکت به سمت برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و تفسیر از برنامه درسی پایه مشترک ملی در فنلاند صورت گرفته، نشانگر آن بوده است که آن دسته از مدارس شهری که در آن تدوین برنامه درسی به خوبی جریان داشته، کار تدوین برنامه درسی مبتنی بر مدرسه قوی‌تر از مدارس حومه‌ی شهری و مدارس روستایی کوچک بوده است (۱۲).

۷) هنگ کنگ:

مطالعه گذشته برنامه‌ریزی درسی در هنگ کنگ نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی درسی به شدت تحت تأثیر تمایل معلمان به پاسخگویی نیازهای پیچیده و دیوان سالارانه موجود در این کشور بوده است (۱۳). اما با توجه به آغاز اصلاحات آموزشی در این کشور در اواخر سال‌های قرن بیستم و حرکت به سوی تمرکززدایی، مدارس فرصت بیشتری را برای نوآوری چه از نظر زمان آموزش و چه از نظر منابع، به دست آورده‌اند. نیازهای دانش‌آموزان و تحلیل بستری که در آن برنامه درسی استفاده می‌شود، بیشتر مورد توجه مسئولان قرار گرفته است. با توجه به توصیه‌های دولت و نظام آموزشی، مدارس و معلمان در راستای سازگاری برنامه درسی مرکزی با توجه به تدوین برنامه درسی مبتنی بر مدرسه خودشان و در جهت کمک به دانش‌آموزان در یادگیری تشویق می‌شوند. از جمله برنامه‌های در راستای تمرکززدایی در کشور هنگ‌کنگ، می‌توان برنامه نوآوری مدیریت مدرسه (SMI)، برنامه آموزش با کیفیت مدرسه (QSE, ECR7) و برنامه درسی هدفمندار (TOC) با جهت‌گیری تغییر و تحول برنامه درسی از منطق‌گرایی علمی به سمت کارایی اقتصادی و اجتماعی را نام برد (۷) که تمرکززدایی و انتقال مسئولیت مدیریت مدرسه در قلب این تحولات قرار دارد. از دیگر نوآوری‌ها در این کشور، پروژه برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه در حوزه علوم (SBSCD) بوده است که از ابتکارات پروژه مدارس هنگ کنگ در سراسر جهان (HKSAP) است. توجه به حرکت‌های تمرکززدایی در کشورهایی چون کانادا و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

هنگ کنگ مشخص می کند که حرکت اساسی در راستای طراحی و تدوین برنامه درسی مبتنی بر مدرسه منوط به انجام پژوهش - های تشخیصی و توسعه ای و انجام پروژه های متعدد در راستای مدرسه محوری است (۳)

نقد تمرکزگرایی و دلایل حرکت به سمت تمرکززدایی:

به نظر می رسد در نظر گرفتن جنبه های شرّ و خبیث برای تمرکز و تمرکزگرایی، کار مورد ستایش و غیرقابل تردید برای اصلاحات نظام آموزشی در اکثر کشورهای جهان بوده است (۱۴). اصولاً برنامه های درسی متمرکز، معمولاً وابستگی شدید به کتاب درسی و محتوای درسی ابلاغ شده را با خود به همراه دارد و نوعی استاندارد کردن غیرسالم را پرورش می دهد. اهمیت دانش معلم را از بین می برد و روابط قدرت پوسیده را تقویت می کند (۳). در نوعی از تمرکزگرایی که منجر به تولید برنامه ها و پروژه های درسی متمرکز در اندازه های بزرگ می شود، که نمونه های آن را در آمریکای دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ می توان دید منجر به عدم دخالت و نامأنوس بودن برنامه درسی طراحی شده برای معلمان می شود و در نتیجه برنامه درسی نمی تواند معلمان را برای تغییر عادات یاددهی شان برانگیخته کند. در دهه های اخیر شکست چنین برنامه هایی تا حدود زیادی مشخص گردیده و مشخص شده که تنها نوآوری های ریشه دار و بومی شانسی برای موفقیت دارند. یعنی در جایی که معلمان به صورت فعال در تدوین برنامه های درسی مشارکت می - کنند (۱۵).

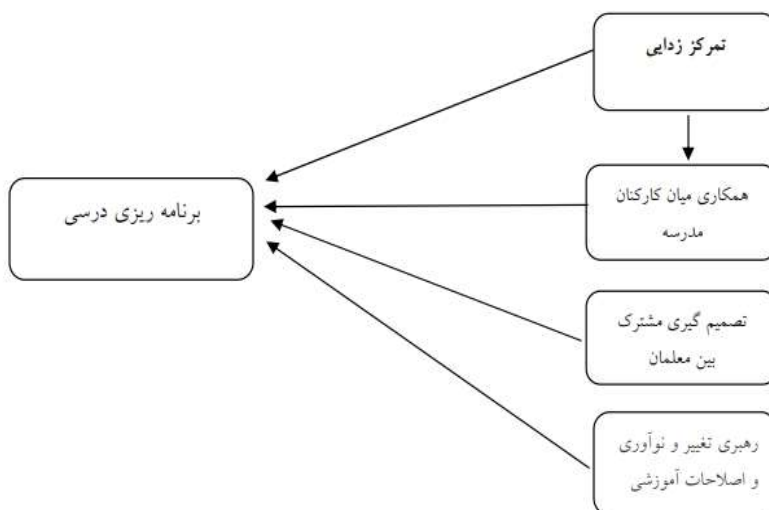
از مهم ترین نقاط مثبت تمرکززدایی (بخصوص در حوزه برنامه درسی) آن است که موقعیت حرفه ای و تخصصی معلمان بسیار تقویت می شود. زیرا به جای آنکه مجریان مطیع برنامه های درسی تحمیل شده از خارج (یعنی مرکز تصمیم گیری) باشند، از قدرتی برخوردار می شوند تا نسبت به آنچه که تدریس می کنند، تصمیم گیر باشند. از دیگر نقاط مثبت و دلایل حرکت به سوی تمرکززدایی در حوزه مدیریت مدرسه و برنامه ریزی درسی، می توان به موارد زیر به صورت مختصر اشاره کرد:

- ۱) بهبود کیفی مدرسه، ناشی از انعطاف پذیری بیشتر مدرسه و برداشته شدن مقررات دست و پاگیر (۴).
- ۲) توجه به نوآوری های ریشه دار و بومی، با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و منطقه ای مدرسه.
- ۳) تقویت تشریک مساعی در مدرسه، زیرا که کار طراحی و تدوین برنامه درسی یا سازگاری و تجدید ساختار برنامه درسی، طوری که متناسب با شرایط رشد شناختی - عاطفی و اجتماعی فراگیران باشد، کار تیمی و مشارکتی معلمان و کادر مدرسه را می طلبد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

- ۴) جذاب تر شدن محیط کار برای معلمان، به دلیل نقش مشارکتی که در برنامه درسی و مدرسه دارند و موقعیت حرفه‌ای و تخصصی معلمان تحکیم می‌شود.
- ۵) توجه بیشتر به نیازهای فراگیران و انعطاف پذیرتر شدن برنامه درسی.
- ۶) زمینه سازی برای تدوین برنامه درسی به صورت تلفیقی و نوآوری‌هایی از این دست در برنامه درسی.
- ۷) مشارکت بیشتر والدین در کار طراحی و تدوین برنامه درسی.
- ۸) تسهیل جریان ارتباطی در سطح مدارس و تسهیل روند اصلاحات آموزشی در مدرسه



نقد و تحلیل تمرکزگرایی نظام برنامه درسی ایران:

مطالعات انجام گرفته و شواهد موجود از نظام برنامه‌های درسی دوره‌های آموزشی عمومی و متوسطه ایران حاکی از کاملاً متمرکز بودن نظام طراحی و تولید برنامه‌های درسی و یکسان بودن برنامه‌های درسی برای تمام دانش‌آموزان است (سلسبیلی، ب ۱۳۸۲). این نوع برنامه‌های درسی اصولاً بسیار متکی به کتاب درسی واحد بوده و محتوا محورند. به تفاوت‌های فردی و شناختی دانش‌آموزان در کلاس درس، تفاوت‌های اقلیمی، اجتماعی، منطقه‌ای و محیط آموزشی و از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر چندان توجهی نمی‌شود و برنامه‌های درسی و محتوای آنها حالتی ابلاغی، رسمی، همگانی و تجویزی دارند. (۴)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

با توجه به ضعف‌های درونی برنامه‌های درسی و نظام‌های برنامه‌ریزی درسی متمرکز، تجربیات نظام‌های آموزشی در راستای تمرکززدایی که مواردی از آنها مطرح گردید، ضعف‌ها و کاستی‌های اساسی برنامه‌های درسی دوره‌های آموزش عمومی و متوسطه ایران و فرآیند تولید چنین برنامه‌های درسی در قالب نظامی کاملاً متمرکز که در مقابل نفوذ عوامل اصلی فرآیند یاددهی-یادگیری چون معلم و دانش‌آموز کاملاً بسته است و برنامه‌های درسی حالتی تجویزی و انتقال معلومات دارند، بیش از همه، ضرورت تمرکززدایی از این نظام را به قصد ایجاد انعطاف و تحول در برنامه‌های درسی موجود محسوس می‌کند. مواردی اساسی از ضرورت-ها را که تصویری از سیمای مطلوب برنامه‌های درسی و کار برنامه‌ریزی درسی را در ایران با توجه به تحولات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دهه‌های اخیر و تحولات دانش تعلیم و تربیت و آنچه که تا به حال مطرح شد نیز نشان می‌دهد، به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

- ۱ - ایجاد کردن زمینه مساعد برای تمرکززدایی تدریجی و متعادل و واگذاری نسبی از اختیارات سیاست‌گذاری، طراحی و تولید برنامه‌های درسی به مدرسه. انعطاف‌پذیر شدن برنامه‌های درسی با تأکید بر ارتقاء تخصصی معلمان، کسب اقتدار، مسئولیت و اختیار بیشتر مدرسه و معلمان در فرآیند آموزش.
- ۲ - بازتر کردن فضای آموزشی و اجرای برنامه‌های درسی به روی تجربه و نوآوری در مدارس، اطمینان بیشتر به مدارس و انسان‌های فرهیخته به مرور، دادن قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری به مدرسه و عوامل اصلی فرآیند آموزش.
- ۳ - ایجاد زمینه مساعد برای کاربرد رویکردهای نوین در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی، توجه به انجام تجربیات و پروژه‌های متعدد توسعه‌ای و نوآورانه در حوزه برنامه‌های درسی با تأکید بر تمرکززدایی و قدرت یافتن مؤسسات پژوهشی و به مرور سرایت به سطح مناطق و مدارس.
- ۴ - پاسخگو بودن و قابل ارزیابی بودن برنامه‌های درسی و آموزش‌ها در قالب رعایت خطوط راهنمای برنامه درسی ملی و مدیریت کلان کشوری و حداقل استانداردهای آموزشی.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۵ - ضرورت تقدم یا همراه بودن تمرکززدایی طراحی و تدوین برنامه‌های درسی با تمرکززدایی‌های مدیریتی و مالی مدارس در راستای رشد یافتن مدارس به عنوان محیط‌هایی تخصصی در آموزش، مشارکت‌کننده محوری در برنامه‌ریزی و مدیریت و رهبری آموزش.

الزامات نظام غیرمتمرکز در سطوح سیاست‌گذاری:

هر گونه اقدام در جهت برقراری نظام غیر متمرکز در برنامه ریزی درسی تغییر در سیاست گذاری‌ها و خط مشی‌های مرتبط با موضوع را طلب می‌کند. اهم موارد قابل توجه در موارد زیر مستتر است (۱۶):

الف - سیاست‌های کلان:

مهم ترین موارد قابل ذکر در این سطح عبارتند از :

حمایت از برقراری نظام غیرمتمرکز با تصویب قوانین و مقررات لازم.

- حمایت مالی .
- فرهنگ سازی از طریق رسانه‌های (عمومی، صدا و سیما و ...) در جهت:
- ترغیب جامعه به مشارکت و اظهار نظر .
- تشویق خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها.
- رایه و معرفی الگوهای موفق .
- تشکیل کنفرانسها، گردهم آییها، مناظرهها و گفتگو های جمعی .
- ترغیب فرهنگ فعالیتهای مشارکتی .

ب- سیاست‌های سطوح میانی (وزارت خانه‌ای)

- حمایت از تولید استانداردها، نظام ارزشیابی و نظام پاسخگویی .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

- حمایت‌های فنی ۷ و تأمین اطلاعات مورد نیاز.
- حمایت از نظام مدیریتی غیرمتمرکز (پیشروی به سوی عدم تمرکز).
- تفویض مسئولیت‌ها.
- تفویض اختیارات

نتیجه گیری:

نقش شگفت‌انگیز آموزش و پرورش در زندگی انسان و شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والی انسانی بر کسی پوشیده نیست. نظام‌های آموزشی نه تنها می‌توانند در رشد اخلاقی، رفتاری و حتی جسمانی افراد مؤثر باشند، بلکه وسیله‌ای در جهت رفع نیازهای حقیقی و مصالح اجتماعی به شمار می‌آید. یعنی نقش آموزش نه تنها در عینیت بخشیدن به زندگی مادی و معنوی فرد متوقف و محدود نمی‌شود، بلکه تمام شئون اجتماعی او را در بر می‌گیرد و عامل رشد و تحول و توسعه اساسی جامعه می‌گردد (۱۷).

تمرکز و عدم تمرکز موضوعی مهم و اساسی در برنامه درسی است. پس از دوره نسبتاً طولانی تمرکزگرایی و با آغاز تجارب تمرکززدایی از دهه ۷۰ به این سو، تمایل دولت‌ها به نظام‌های متمرکز و غیرمتمرکز در حال نوسان بوده است. از آنجا که تمرکززدایی عمدتاً ریشه در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی دارد، بنابراین تمرکززدایی از این عرصه‌ها به نظام‌های برنامه درسی و آموزشی نیز تسری یافته است. مشکلاتی نظیر کمبود نیروی انسانی متخصص، جهانی شدن و مقاومت از طرف معلمان، موجب توجه دوباره دولت‌ها به تمرکزگرایی برای ارتقای کیفیت آموزش و رفع این مشکلات شده است. (۱۸ و ۱۹)

با توجه به بررسی‌های انجام شده، متوجه شدیم که نظام‌های آموزشی دنیا به صورت مطلق متمرکز یا غیرمتمرکز نیستند بلکه تلفیقی از تمرکز و عدم تمرکز در سطوح مختلف نظام‌های آموزشی است. به دلیل تفاوت زمینه و بستر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر کشور راهکارهای تمرکز و عدم تمرکز در کشورها متفاوت است و هر راهکاری متناسب با شرایط حاکم بر آن جامعه است. نمی‌توان مدعی شد که کدام رویکرد و راهکار برای همه کشورها به طور یکسان بهترین است. در نتیجه بی‌شک نمی‌توان با قاطعیت ادعا کرد که کدام نظام کاملاً صحیح و کدام نظام کاملاً غلط است زیرا بسته به شرایط آن کشور و منطقه دارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



منابع:

- (۱) صفرزاده مریم، زارع پریسا، سیدی بتول، ۱۴۰۰. اجرای طرح نظام‌های سه گانه برنامه ریزی درسی در ایران، همایش تمرکز و عدم تمرکز در فرآیند برنامه ریزی درسی.
- (۲) صفرزاده مریم، زارع پریسا، سیدی بتول، ۱۴۰۰. اجرای طرح نظام‌های سه گانه برنامه ریزی درسی در ایران، همایش تمرکز و عدم تمرکز در فرآیند برنامه ریزی درسی.
- (۳) سلسبیلی نادر، شرفی حسن، حسینی محمدحسین، ۱۴۰۰. گذار نظام برنامه‌ریزی درسی ایران به سمت عدم تمرکز در طراحی و تدوین برنامه درسی با تأکید بر برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه. همایش تمرکز و عدم تمرکز در فرآیند برنامه ریزی درسی.
- (۴) گویا زهرا، ایزدی صمد، ۱۳۸۲. برنامه درسی ملی، تمرکز و عدم تمرکز در برنامه‌ریزی درسی، در جستجوی الگوی مناسب، گزارش پژوهش محور مطالعاتی چهارم از مجموعه مطالعه در مسایل و مباحث اساسی حوزه برنامه‌ریزی درسی و روش‌های تدریس. پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
- (۵) سلسبیلی نادر و دیگران (اعضای کمیته تدوین)، الف ۱۳۸۲. سند و منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش ایران (پیشنویس دوم)، وزارت آموزش و پرورش. پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
- (۶) Whitty Geoff & Power Salley & Halpin David. (1998). Devolution & Choice in Education (The School, The State and the Market). ACER press. Melborne. Australia
- (۷) O'Donoghue Thomas and Dimmock Clive. (1998). School Restructuring, International Perspectives. Kogan Page ltd. UK.
- (۸) Sabar Naama. (1994) . Curriculum Development at School Level. In Torsten Husen & Neville Postlethwaite (ed). The International Encyclopedia of Education. Second ed. V.9. Pergamon Press Inc. Oxford
- (۹) Kenndey kerry J. (1992). School - Based Currivulum Development as a Policy Option for the 1990's: An Australian Perspective. Journal of Curriculum and Supervision. Winter 1992. Vol. 7. No.2.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



(۱۰) Havgreaves Andy. (1994). Changing Teachers, Changing Times. Teachers College Press. Columbia University. New York.

(۱۱) Lauder Hugh & Wylie Cathy. (1990). Towards Successful Schooling. The Falmer Press. London

(۱۲) Hamalainen Seppo and Others. (2000). Consensus or Compromise? Making the School-Based Curricula in Lower - Level Comprehensive Schools in Finland. University of Jyväskylä Pub. Finland.

(۱۳) Tack Shan WONG Teresa. (2002). A Case Study of School – Based Science Curriculum Development (SBSCD). Department of Science. Hong Kong Institute of Education.

(۱۴) Cohen Resetti marantz. (1995). Understanding How School Change Really Happens. Corwin Press Inc. Thousand Oaks, California

(۱۵) Lewy Arie. (1991). National and School - Based Curriculum Development. Fundamentals of Educational Planning - 40. UNESCO. Paris.

(۱۶) فرخ لقا، تلخایی محمود، ۱۴۰۰. برنامه ریزی درسی غیر متمرکز: ضرورت‌ها و الزامات. همایش تمرکز و عدم تمرکز در برنامه ریزی درسی

(۱۷) موسایی، میثم و احمدزاده، مریم (۱۳۸۸). آموزش توسعه پایدار، توسعه ای و راهبرد یاس.

(۱۸) رسولی سمیه، ۱۳۹۵. شناسایی رابطه بین تمرکز زدایی با برنامه ریزی درسی در مدارس ابتدایی غیر انتفاعی غرب استان مازندران. فصلنامه پژوهش‌های برنامه ریزی آموزشی و درسی. سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان

(۱۹) دادکانی محمدیاسین، سعادت‌مند زهره، رحمانی جهان بخش، ۱۳۹۷. تحلیل الگوی برنامه درسی غیرمتمرکز در کشورهای منتخب به منظور ارائه الگوی پیشنهادی برای آموزش ابتدایی ایران. فصلنامه‌ی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی. سال نهم، شماره‌ی ۲، تابستان